



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

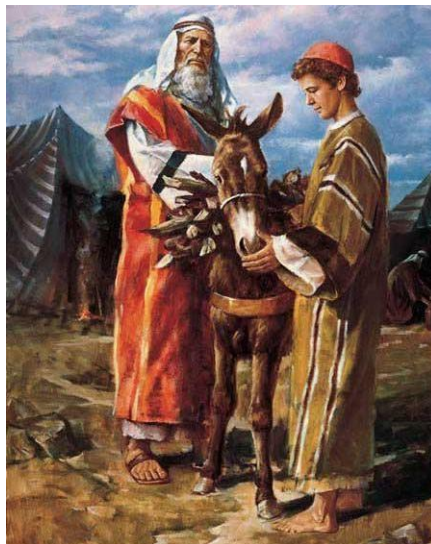
الحاج عبدالحنان

تاريخ نشر : 03 جنوري 2015 م



اميدت را از رضای مردم قطع کن!

لقمان حکيم در توصيه به فرزندش اظهار نمود:



فرزندم !

دل بسته به رضای مردم و مدح و ذم آنان مباش ؛ زیرا هر قدر انسان در راه تحصیل آن بکوشد به هدف نمی رسد و هرگز نمی تواند رضایت همه را به دست آورد .

فرزند به لقمان گفت :

معنای کلام شما در چیست ؟ دوست دارم برای آن مثال یا عمل و یا گفتاری را به من نشان دهی .
لقمان از پسر خواست تا با هم بیرون از خانه بروند و مرکب خویش را نیز با خود گرفت .

پدر سوار مرکب شد و پسر پای پیاده به دنبالش راه افتاد .
در مسیر راه با عده ای از مردم برخورد نمودند که بین خود می گفتند:

**این مرد کم عاطفه را ببین که خود سوار مرکب شده و بچه خویش را پای پیاده از پی خود می برد.
این چه روش زشتی است !**

لقمان به فرزند گفت :

سخنان آنها را شنیدی ؟ سوار بودن من و پیاده بودن تو را ، بد دانستند؟

پسر گفت : بلی !

لقمان فرمود:

پس فرزندم ! تو سوار مرکب شو و من پای پیاده به دنبالت راه می روم .
پسر سوار مرکب شد و پدر پای پیاده حرکت کرد ، باز هم با گروهی دیگر مردم برخورد نمودند که آنها نیز گفتند:

این چه پدر بد و آن هم چه پسر بی ادبی است !

اما؛ بدی پدر بدین جهت است که فرزند را خوب تربیت نکرده . لذا ؛ او سوار است و پدر پای پیاده به دنبالش راه می رود . در صورتیکه بهتر این است که پدر سوار مرکب می شد تا احترامش محفوظ باشد .

ولی ؛ چون پسر بی ادب است به خاطر اینکه وی عاق بر پدر شده است از این رو هر دو در رفتار خود بد کرده اند .

لقمان گفت : سخن آنها را نیز شنیدی ؟

پسر گفت : بلی !

لقمان فرمود:

اکنون هر دو سوار مرکب می شویم .

هر دو سوار مرکب شدند ، در این حال به گروهی دیگر از مردم رسیدند و آنان با خود گفتند:

در دل این دو ، آثار رحم نیست و هر دو سوار بر این حیوان شده اند و از سنگینی وزن شان پشت حیوان می شکنند .

اگر یکی سواره و دیگری پای پیاده می رفتند ، بهتر بود !!

لقمان به فرزند خود فرمود: شنیدی ؟

فرزند عرض کرد: بلی !

لقمان گفت :

حالا حیوان را بی بار و خودمان پای پیاده در پهلوی آن راه می رویم .

مرکب را جلو انداختند و خودشان به دنبال آن پای پیاده رفتند .

باز هم گروه از مردم آنان را به خاطر اینکه از حیوان استفاده نمی کنند ، سرزنش کردند.

در این هنگام لقمان به فرزندش گفت :

پسرم ! به طور کامل راهی جهت جلب رضای مردم وجود ندارد؟

بنابراین ! امیدت را از رضای مردم قطع کن و در اندیشه تحصیل رضای خداوند باش .

زیرا ؛ این کار آسان بوده و سعادت دنیا و آخرت در همین است .

الحاج عبدالحنان

www.said-afghani.org - بارگشت به صفحه اصلی